



کانون فرهنگی
دانشگاه فرهنگیان مرکز شهید رجایی
استان اصفهان



گاهنامه فرهنگی - هنری کمال الملک
شماره ۱ / خرداد ماه ۹۹

- گفتگوی با معاونت فرهنگی مدیریت پردیس‌های استان اصفهان
- نقدی بر فیلم انگل
- داستان کرونا... خدای حکیم
- نفس پیامبرانه

تبلیغات

گوهر تراشی مهدی

- ❖ تراش انواع سنگ های قیمتی و نیمه قیمتی
- ❖ فروش کلی و جزئی انواع نگین های طبیعی، مصنوعی، کریستال و اتمی
- ❖ سنگ های ماه تولد، درمانی، ایرانی و خارجی
- ❖ ساخت انواع انگشتر و سرویس های نقره و زیورآلات
- ❖ حکاکی بر روی انواع سنگ ها و فلزات

📍 اصفهان/ میدان نقش جهان/ خیابان حکیم/ بازارچه نو (شرقی)/ جنب رستوران حاج یداله

📞 ۰۹۱۳۳۶۸۶۷۶۵

📞 ۰۹۳۳۱۰۲۰۰۴۱

📞 ۰۹۱۰۳۶۱۶۳۱۹



شناسنامه

صاحب امتیاز: کانون هنرهای تجسمی مرکز شهید رجایی اصفهان

مدیر مسئول: مریم خلیلی نژاد

سردبیر: ناهید ربیعی

هیئت تحریریه: آرزو فرهادی، محمد حقیقی، ناهید ربیعی، علی حقانی، مهدی جهانبخش، مصطفی طاوسی، مسعود عبادتی،

قادر جامی الحمدي، نیما خادمی، مریم عبداللہی، یاسمن تقی مومنی

نقاش: الهه تیموری

گرافیک و صفحه آرایی: علیرضا نخعی

ویراستاران: نیما خادمی، فاطمه فصیحی

تایپست: فاطمه براتی ریزی

روابط عمومی: مریم خلیلی نژاد @mrym_khlilinjd78

آدرس کانال کانون هنرهای تجسمی: @honar_rajaei_esf

آدرس کانال نشریه کمال الملک: @kamalolmolk_mag98



فهرست

۱	سخن رهبری
۱	سخن مدیر مسئول
۱	سخن سردبیر
۲	کمال الملک
۳	نفس پیامبرانه
۴	نقاش دیبا
۴	صبح خلاق
۵	تاریخ هنر
۶	نقد فیلم
۸	مصاحبه
۱۰	رقص تربت جام
۱۱	داستان کرونا
۱۲	هنر مرکب در دوره ابتدایی
۱۲	معرفی کتاب
۱۳	آموزش هنری



❖ سخن مقام معظم رهبری در مورد هنر:

هنر در جمهوری اسلامی یک وسیله و ابزار و از شمار بهترین‌هاست. اگر جمهوری اسلامی حرفی برای گفتن و یا ایده‌ای برای عرضه کردن دارد، این عرضه باید با بهترین شیوه‌ها که همان "هنر" است، انجام گیرد.



مریم خلیلی تژاد

دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی

مرکز شهید رجایی اصفهان

❖ سخن مدیر مسئول:

به توکل نام اعظمت
اینک اولین شماره از گاهنامه فرهنگی-هنری کمال‌الملک پس از تلاش‌های بسیار و به لطف پروردگار و تلاش شما عزیزان منتشر شد.
هدف ما در این نشریه زنده کردن حس هنری و زیباکردن دید شما نسبت به هنر می‌باشد.
امید است با مطالعه و همکاری با مجموعه فرهنگی-هنری کمال‌الملک جوانه‌های ذوق هنری در وجود ارزشمند شما ریشه بزند و بتوانید به شعار نشریه کمال‌الملک در زندگی‌تان دست یابید.
شعار نشریه کمال‌الملک: #دنیاتو_رنگی_رنگی_کن

❖ سخن سردبیر

زندگی آدمی در ابتدا ساده، بی‌نقش و لعاب و به گونه‌ای ابتدایی بود. به تدریج ذوق و حس زیبایی‌شناختی او قوت گرفت و به این ترتیب هنر به عنوان یکی از نیازهای اساسی انسان شناخته شد؛ بنابراین باور داریم که اشتیاق آدمی به هنر، اشتیاقی ریشه‌دار است و از گذشته تاکنون از زیبایی هنر به وجد می‌آمده است؛ البته این زیبایی نه تنها در هنر، بلکه در طبیعت و عشق نیز به دست می‌آید.

به گفته جکسون پولاک: «یک هنرمند خوب، خود واقعی‌اش را در نقاشی‌هایش به تصویر می‌کشد.»

از آنجا که هنرمند اندیشه‌ها و عواطف ذهنی‌اش را به وسیله هنر متجلی می‌سازد، پس هنر جلوه‌گاه تفکر و رفتار آدمی است و زبانی است برای بیان احساس او. در نتیجه نفوذ فوق‌العاده‌ای بر انسان و جامعه او دارد.

اکنون با نخستین شماره از گاهنامه کمال‌الملک جهت افزایش دانش و ذوق هنری مخاطبان، پیش‌روی شما عزیزان هستیم و بی‌میرانه منتظر نظرات، انتقادات، پیشنهادات و همکاری شما مخاطبان عزیز هستیم تا بهتر از قبل این مسیر را جلو رویم.



ناهید ربیعی

دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی

مرکز شهید رجایی اصفهان

گمال الملک

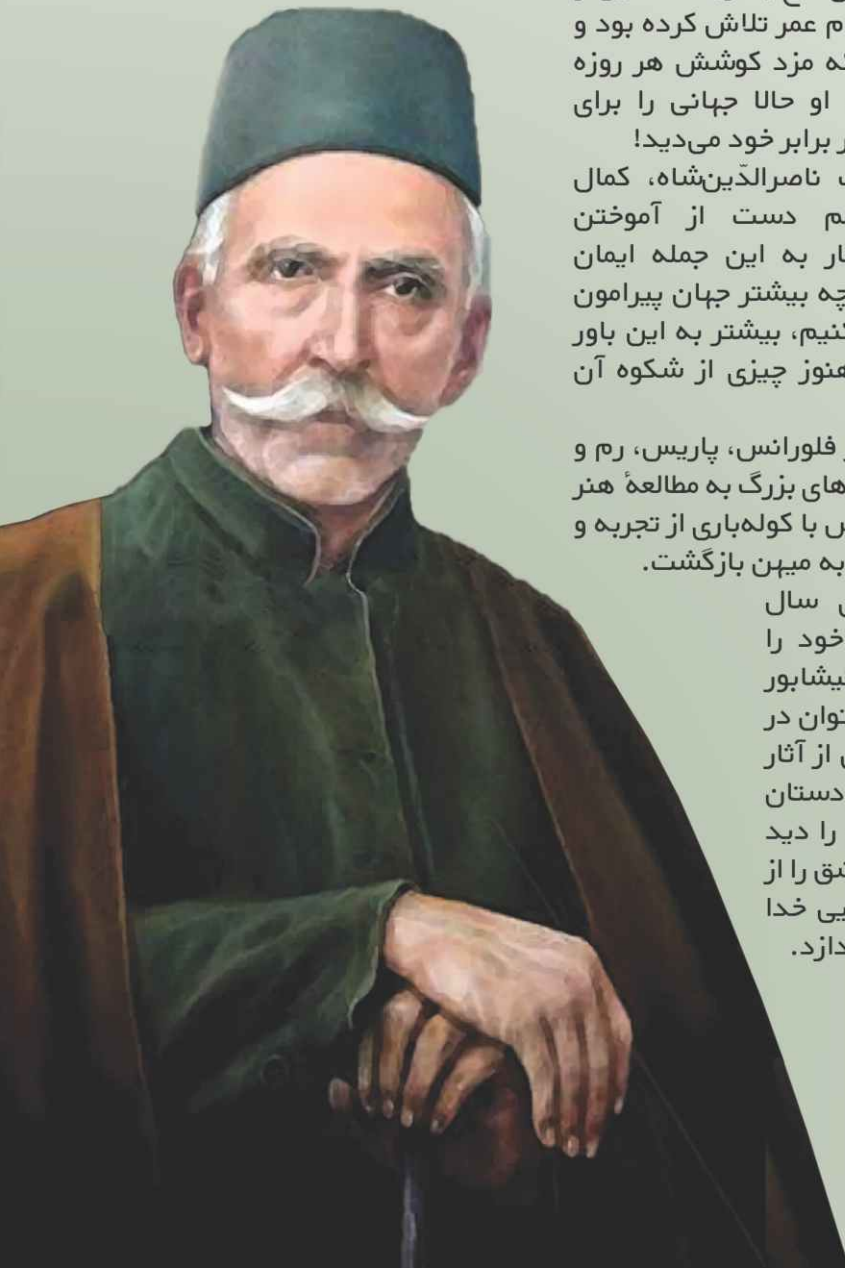


محمد حقیقی

دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی

مرکز شهید باهنر اصفهان

شاید تاکنون از جسم او چیزی باقی نمانده باشد؛ اما نگاه گیرا و قلب سفید او را می‌توان در تپش‌های آبشار نیاسر، در تنفس صبحگاهی درختان کلاردشت و حتی در بشقاب معروفی از او، که اکنون در موزه لوور نگهداری می‌شود، دید و بار دیگر به این باور رسید که بالاترین هنر، ماندگارشدن در قلب تاریخ به واسطه تلاش و انسانیت است.



محمد، سال‌های جوانی را به آموختن و تمرین و تلاش برای رسیدن به هدفش صرف کرد. هیچ منظره‌ای از چشمان تیزبین او در امان نبود. عمارت گلستان، تالار آیین، کاخ صاحبقرانیه، کلاردشت و صدها اثر دیگر که زیبایی و ظرافت و دقت یکی از آن‌ها کافی بود تا محمد غفاری، بهترین نقاش ایران نام گیرد.

نام او را کمال‌الملک نهادند؛ کسی که هر کجا باشد، وجودش باعث کمال و پیشرفت آنجاست!

دیگر او مجبور نبود برای کشیدن نقاشی‌هایش در دشت‌ها و کوچه‌پس کوچه‌های روستا بدود. دیگر مجبور نبود که لیخندی تلخ به ریشخند این و آن بزند. او تمام عمر تلاش کرده بود و وقت آن بود که مزد کوشش هر روزه اش را بگیرد. او حالا جهانی را برای ترسیم‌کردن در برابر خود می‌دید!

پس از مرگ ناصرالدین‌شاه، کمال الملک باز هم دست از آموختن برنداشت. انگار به این جمله ایمان داشت که هر چه بیشتر جهان پیرامون خود را کشف کنیم، بیشتر به این باور می‌رسیم که هنوز چیزی از شکوه آن نمی‌دانیم.

او سال‌ها در فلورانس، پاریس، رم و شهرها و کشورهای بزرگ به مطالعه هنر پرداخت و سپس با کوله‌باری از تجربه و مهارت و عشق به مین بازگشت.

محمد غفاری سال هاست جسم خود را به خاک سرد نیشابور سپرده؛ اما می‌توان در انحنای هر خطی از آثار او، روح بزرگ و دستان ماهر هنرمندی را دید که هر ثانیه عشق را از قلب ما تا زیبایی خدا به جریان می‌اندازد.

صدای آواز بلبلان سرمست، درخشش پرتوهای خورشیدی که عشق را دوباره فریاد می‌زدند و صدای نفس‌های گرم آبشار، نوید روزی پر از شادی و رونق را به روستاییان می‌داد.

در میان هیاهوی روستاییانی که هر روز، زودتر از خورشید، می‌کوشیدند تا آسمان دل خانواده‌شان را گرم نگه دارند و در میان رفت و آمد پی‌درپی شان و تلاش بی‌وقفه‌ای که خود، دانشگاهی بزرگ برای آموختن پشتکار و تجربه بود، پسر بچه‌ای کوچک به دیواری گاه‌گلی تکیه داده بود و با تکه ذغالی، درخت بید سرسبزی را که در کنار جوی پر از آبی که به پونه‌های مطرود از پونه‌زار، نفس می‌بخشید، ترسیم می‌کرد.

نامش محمد بود! محمد غفاری! صبح که می‌شد، زودتر از تمامی افراد خانواده، گیوه‌های کوچکش را به پا می‌کرد و در کوچه‌های تنگ؛ اما با صفای کله*، می‌دوید و می‌دوید و می‌دوید تا ببیند که امروز، طبیعت برای او چه ارمانی دارد.

محمد، پسر طبیعت بود! او سخت می‌کوشید تا هرچه را که با چشم دل می‌بیند با همان خرده ذغال‌های دور ریختنی بر کاغذهای باطله ترسیم کند. بارهای زیادی شنیده‌بود که او را دیوانه و تنبل می‌خوانند؛ اما او می‌خواست تمام آنچه را که در قلب و ذهنش می‌گذرد، به همگان نشان دهد. او راه خود را یافته بود، او می‌خواست "هنرمند" باشد.

طولی نکشید که روزگار، مزد پاکی قلب او را داد. محمد غفاری به دارالفنون راه یافت. او تمام روز را به فراگیری مهارت‌های گوناگون از اساتید دارالفنون می‌پرداخت؛ اما شب‌های غربت برای او بسیار سخت بود.

قصه قلب محمد و شب‌های دلتنگی، قصه سیمرغی در آرزوی پرواز بود که در قفسی کوچک زندانی شده بود؛ سیمرغی که هر شبش، روزها طول می‌کشید؛ اما غم دوری را برای رسیدن به کمال تحمل می‌کرد؛ صبری برای رسیدن به خدا...!

❖ نفس پیاپی پیرانه



آرزو فرهادی

دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی

مرکز شهید رجایی اصفهان

❖ از شیرۀ جانت می‌نوشانی و خون کاوش و تفکر را در رگ‌های کبودمان به جریان می‌اندازی، تا نفس‌های زندگی مان با نبض آیینه‌ها هماهنگ شود.

❖ تو را می‌ستایم و خاطر خستگی ناپذیرت را به واحه‌های خرم ایمان و عشق می‌سپارم تا گوهر جاودان وجودت تا پایان هستی بدرخشد و هر سال به بهانه مهر، جانت را در قلم به امیدهای آینده این مرز و بوم تقدیم کنی.

❖ باشد که از رسالت تو انسانی سراز خاک امید بردارد که وجودش از عشق لبریز شده باشد!

❖ لب به سخن که می‌گشایی، مدها پرندۀ سپید بال در آسمان معرفت به پرواز می‌آیند و من لبریز از این همه امید، پریدن را تجربه می‌کنم.

❖ نگاهم که می‌کنی، تار و پود جانم لی‌خند می‌زند. دست‌هایت، ریشه‌های کنج‌کاوی‌ام را محکم می‌کند و صدای فرشته‌سانت، سایه غول‌های نادانی را از کوچه‌های جانم می‌تاراند.

❖ ای آسمانی زمینی‌رخسار! اینگونه که عاشقانه به رویشمان کمر بسته‌ای، دیر نیست که از هر گوشه این خاک، صنوبرانی سربلند، با انگشتان سبزشان، گیسوان خورشید دانش و فناوری را شانه بزنند و ستاره‌های فروزان پژوهش، از چشمان آگاه همین نوآموزان بزرگان‌دیش، روشنی‌بخش رصدخانه‌های تاریخ جهان گردد.

❖ تو را چه بنامم ای عصارهٔ مهربانی و ایثار و عشق؟!

❖ ایثار، با نفس‌های پیامبرانه‌ات جوانه می‌زند و به نام بلندت که از جنس و رسم انبیاست، مزین می‌شود!

❖ تو می‌آیی تا خورشید آگاهی را در قلب‌های حاصل‌خیز فرزندان سرزمینت بکاری و ظلمت جهل را تنها بر دوش بکشی تا جوانهٔ عشق در قلب‌های نورچشمانت رشد کند.

❖ تو سرآغازی هستی برای درخشیدن جان‌هایمان در عرصهٔ تاریخی که با تو آن را شناختیم و دستان سپیدت بر پیکر تخته‌سیاه، نور می‌پاشد تا الفبای روشنی را در اذهان تاریکمان حک کند.

❖ وارد که می‌شوی، چشم‌های شوقمان چون پنجره‌هایی رو به آفتاب، به سویت گشوده می‌شوند. می‌آیی و عطر حضورت فضای کلاس را پر می‌کند.

❖ ای رازدار دل‌های کوچک و معصوم و سنگ مبور غم‌های پروانه‌ها! تو آمده‌ای تا روح حقیقت را پاسداری کنی و از چهرهٔ جاهل زمین، گرد و غبار این همه ندانستن را بزدایی. آمده‌ای تا نهال‌های سبز را باد هرزه‌گرد پاییز، با داس زردش نچیند. آمده‌ای تا شکوه ایثار، چراغ دانش را در قلب‌هایمان برای ابد روشن کند و آمده‌ای تا واژهٔ "رسالت" بی‌مصدق نماند.

معلم بلبلان محوالت

خط : جواد فاطمی مقدم

معلم ریاضی

شهرستان فردوس



علی حقانی

دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی

پردیس شهید باهنر اصفهان

❖ نقاشش دیبا

در کنارش نقش ما را بر خودش دل داده کرده
طرح والایی هویدا کرده بر انسان لقرش
در تکاری از حرارت های دگرمی، چه زیبا
می تکار د نیک نقشی بی همتا از قشنگی
در درختان خانه ای زیبا و تابان، بهر جنبش
در درختان خانه اش پیشی بگیرند از طواهر
تا داوینچی، تا گرامی، اتحری چون فرشیان
مثل تازی در حریری لاجوردی چنک خورده

هور مرزا صفحه ای از بی کران آماده کرده
نقش نیکو بسته بر آدم و عالم بانوازش
کرته برمی دارد از خورشید، آن نقاش دیا
بوم خلقت خط خطی با جوهری خوش فام و رنگی
دسته ای از گویان چشم زنان با شور و تلیش
در هنر بازار او این گویان همچون جواهر
از "کمال الملک" گو در حلقه ای از عربچیان
جملگی در بوم نقاشی توانگر رنگ خورده



ناهید ربیعی

دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی

مرکز شهید رجایی اصفهان

❖ صبح خلاق

❖ صبح خلاق به عنوان یک سازمان مردم نهاد و رویدادی بین المللی است که نخستین بار در سال ۲۰۰۸ میلادی و از شهر نیویورک با شعار "همه خلاق هستند." آغاز شد و امروز در سال ۲۰۲۰ خانواده صبح خلاق، ۲۰۷ شهر مختلف جهان را با هدف "جامعه متعالی تر، جامعه خلاق تر" گرد هم آورده است تا فارغ از هرگونه نگاه مادی، ماهانه در یک صبح جمعه با یک صبحانه رایگان و یک سخنرانی اثرگذار بر پایه یک موضوع بین المللی، جمعی از مردم خلاق شهر را برای کمک به ایجاد تغییر مثبت در یکدیگر و پیوند خلاقیت ها و جهانی کردن این خلاقیت ها دعوت کنیم.

❖ صبح خلاق اصفهان از تابستان ۱۳۹۷ کار خود را آغاز کرد و پس از طی مراحل گوناگون در مهرماه ۱۳۹۷ موفق به

❖ آنچه در اولین مرحله ما را به سمت یک تلاش جمعی هدایت می کند، احساس نیاز برای فرهنگ سازی جامعه، خلاقیت و خلاق شدن جامعه است.

❖ نگاه خلاقانه مردم یک جامعه منجر به پیشرفت و حل بهتر و راحت تر مسائل می شود. ما در جستجوی یافتن راهی نو برای تقویت ذهن خلاق و تقویت نگاه خلاقانه جامعه هستیم و به دنبال یک کار گروهی و همکاری بین افراد از طریق ایجاد یک جو دوستانه و صمیمی در جهت انگیزه دهی و همکاری برای حل مسائل موجود هستیم. هدف ما در این شماره معرفی و آشنایی هرچه بیشتر شما مخاطبان گرامی با رویداد جهانی "صبح خلاق" است و امیدواریم این معرفی مشوقی برای بزرگ تر شدن هرچه بیشتر خانواده صبح خلاق باشد.

دریافت مجوز بین المللی برگزاری این رویداد جهانی شد و با تلاش جوانان خلاق و داوطلب اصفهانی تاکنون موفق به برگزاری دوازده رویداد شده است.

❖ صبح خلاق با ارزشی که برای مردم و قدرت جامعه قائل است، به دنبال حمایت از خلاقیت و تأثیرات شگرف آن در جامعه است. امید است با همراهی و حمایت شما مخاطبان در شماره های بعدی گاهنامه، موفق به معرفی و ارائه خلاصه گزارش های بهتر و قوی تر شویم.

❖ جنبش جذاب نو جوان



مهدی جابنبخش

دانشجوی کارشناسی مشاوره

پردیس شهید باهنر اصفهان

❖ انرژی آرٹ، ترسیم انرژی به واسطه رنگ، فرم و ترکیب‌بندی است. برای آفرینش اثری بکر و تاثیرگذار که به وسیله احساسات در مخاطب اثر هنری طنین‌انداز می‌شود؛ این‌ها آثار جذابی هستند که با قدرتی رموز به لرزه در می‌آیند. جالب است بدانید تکنیک هنر ماندالا که در چند سال اخیر مورد استفاده بسیاری از هنرمندان قرار می‌گیرد نیز یکی از تکنیک‌های هنری جذاب و پر از جزئیات ترکیبی جنبش انرژی هنر می‌باشد.

❖ همان‌طور که گفته شد انرژی آرٹ در ماه می ۲۰۰۸ با هدف ارتقاداتن بیانگری هنری توسط گروهی از هنرمندان راه‌اندازی شد. آن‌ها اعتقاد داشتند این پویایی بصری در آثار هنری جنبش انرژی آرٹ، منعکس‌کننده پیچیدگی‌های تمدن ما می‌باشد و همان‌طور که علم و تکنولوژی ما را به جلو پرتاب می‌کنند، انرژی آرٹ نیز هنر را بیش از منعکس‌کردن محیط و گستره قابل مشاهده اطراف من و شما تصرف می‌کند. غایت نهایی انرژی آرٹ، ثبت ماهیت پرنرژی و زودگذر زندگی‌ست!

مورد توجه هنرمندان این جنبش، نشان‌دادن متافیزیک و ابعاد ناشناخته انسان و طبیعت در قالب آثار هنری است.

❖ نقاشی‌هایی که با ارتعاش به لرزیدن می‌افتند در این جنبش تبیین می‌شوند؛ به طور مختصر امپرسیونیست‌ها در نقاشی‌هایشان دنبال نور بودند، فوتوریست‌ها، سرعت و حرکت را تصویر می‌کردند و اکسپرسیونیست‌ها در آثارشان احساسات را منتقل می‌کردند، این توانایی‌ها (نور، سرعت، احساسات) انواع انرژی هستند. انرژی یکی از زودگذرترین ویژگی‌های طبیعت است که می‌توان به تصویر کشید و این یک نقطه عطف در هنر مدرن است! انرژی ممکن است غیرقابل تعریف باشد؛ اما مفهومی جهانی‌ست. بعضی‌ها انرژی را به عنوان ارتباطی میان دیگر انسان‌ها می‌شناسند و برخی دیگر آن را در روشنائی یک روز گرم چشم‌نواز. برخی دیگر انرژی را به عنوان نیرویی مخرب و برخی آن را به عنوان عامل پیدایش زندگی می‌دانند.

❖ مطمئناً تا به حال درباره "Energy Art" چیزی نشنیده‌اید! انرژی آرٹ را می‌توان جزء یکی از چند جنبش هنری اخیر دانست که رویکرد هنرمند در آن، بازگشت دوباره به طبیعت است؛ به منظور بازشناسی موقعیت انسان، به عنوان عنصری جدا و در عین حال پیوسته در آن یک نمونه از این جنبش "LandArt" یا "هنر زیست‌محیطی" است. ❖ در روند شکل‌گیری فضای کلی این مکتب متفاوت، جنبش‌های قدیمی‌تری چون امپرسیونیسم و پست-امپرسیونیسم، فوتوریسم و اکسپرسیونیسم نقش دارند. همین‌جاست که خلاقیت و نوآوری پا به عرصه تولید مطالب جدید می‌گذارد.

❖ اساس ترکیب‌بندی آثار هنری هنرمندان در این جنبش تأکید ریتم، وحدت در کثرت عناصر بصری و به‌کار گرفتن هارمونی رنگی متشکل از "رنگ‌های سایکدلیک" -رنگ‌های تند روانی و فراواقعی و دارای اعوجاج- است. موضوع اصلی



نقاشی ماندالا؛ الهه تیموری

دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی

مرکز شهید رجایی اصفهان

نقد فیلم انگ PARASITUE

می‌گذرانند، تا اینکه همکلاسی پسر خانواده وارد ماجرا شده و به دوست خود پیشنهاد کار در منزل یک خانواده ثروتمند به عنوان معلم خصوصی می‌دهد....

وقتی درباره فیلمی صحبت می‌کنم که کارگردانش بونگ جون هو است، پس بدانید درباره فیلمی که مخلوطی از چندین ژانر مختلف است، سخن می‌گویم. انگل یک فیلم با درونمایه اجتماعی-کمدی است که در بخش‌هایی از آن وارد کمدی سیاه شده و در نهایت سر از ژانر اکشن و اسلشر در می‌آورد. اگر از طرفداران غذاها یا نوشیدنی‌های مخلوط هستید یا اگر از هر چیزی که عنوان مخلوط را یادک می‌کشد، استقبال می‌کنید پس آثار جون هو را از دست ندهید؛ چون او به شما یک معجون مخلوط از چندین ژانر سینمایی تحویل می‌دهد.

فیلم با یک track down آغاز شده و با همین حرکت دوربین سطح این خانواده را نشان می‌دهد.

از همین ابتدا، فیلم نگاه متفاوت خود را به مسئله فقر بیان می‌کند و شاهد این مسئله جستجو برای وای‌فای دزدی و در ادامه عدم ممانعت از ورود دود حشره کش به داخل منزل است.

ورود همکلاسی پسر خانواده به خانه آن‌ها موتور داستان را روشن می‌کند. پیشنهاد کار برای پسر و ورود او با کمک جعل مدرک خواهرش به منزل خانواده‌ای ثروتمند. تعریف کردن پدر از جعل مدرک دخترش نگاه خانواده به شارلاتانگری و دور زدن و دروغ‌گویی را نشان می‌دهد.

حضور سنگ شانس در لحظات کلیدی داستان از نکات قابل توجه فیلم است. (مثل لحظه خروج پسر برای جلسه معارفه و استخدامش برای تعلیم خصوصی زبان که در پس زمینه، مادر در حال شستن

دلسوزانه و ترحم برانگیز به این طبقه از اجتماعان داشته باشیم، بسیار ارزشمند است. فیلمی که در عوض به تصویر کشیدن مشکلات متعدد و بدبختی‌های پی در پی، سعی دارد مظلومیت قشر ضعیف جامعه را به زور در حلقوممان کند، از نظر من به این جماعت و مخاطبانش ظلم می‌کند. زندگی با فقر سخت و طاقت فرسا هست؛ اما سیاه و منزجرکننده نیست.

ما در کشوری زندگی می‌کنیم که این مسئله را با گوشت و پوست خود حس می‌کنیم و هر کدامان یا خانواده‌هایمان با مشکلات اقتصادی دست و پنجه نرم کرده‌ایم؛ پس برای مان موضوع غریبی نیست.

این‌ها را گفتم که در زمان تماشای فیلم‌های وطنی یا فرنگی با موضوع فقر و تضاد طبقاتی یادمان بیاید برای نشان دادن فقر از دیدگاه درستش صرفاً نیاز به آسمان و ریسمان بافتن نیست. شاید دیدن فیلم انگل بسیاری از مسائل را در جای درستش بیادمان بیاورد.

توجه: این متن برای افرادی است که فیلم را تماشا کرده‌اند.

داستان فیلم درباره خانواده چهار نفره فقیری است که در یک زیر زمین در شهر سنول زندگی می‌کنند. همه اعضای خانواده بیکارند و با کارهای حاشیه‌ای مثل درست کردن کارتن‌های پیتزا روزگار

اسپیلبرگ آسیا دوباره دست به دوربین شد تا اثری دیگر خلق کند. اثری شایسته تقدیر و احترام. "بونگ جون هو" آمده

تا یادمان بیاورد چقدر سینمای مارول زده امروز به کارگردان‌های مؤلف نیاز دارد. او آمده تا یادمان نرود چقدر به امثال او نیازمندیم تا بر پرده نقره‌ای، اثری دوست داشتنی، پر از استعارات و تلمیحات قابل درک را شاهد باشیم و یادمان نرود چقدر به نولان‌ها، ویلنووها، فرهادی‌ها، منگولدها و... نیازمند و مدیونیم. با تحلیل آخرین اثر کارگردان مؤلف کره‌ای، بونگ جون هو، یعنی "انگل" همراه باشید؛

به تصویر کشیدن زندگی با تمامی کاستی‌ها و بلندی‌هایش، کار ساده‌ای نیست. نیاز به بیان نیست فیلمی که بتواند زندگی واقعی را نشانمان دهد، چقدر به دل می‌نشیند. تصویری از فقر، بدون اینکه نگاهی

به تن دارد تا نشان دادن درگیری‌های بین دو کره در سکناس پس از درگیری در زیر زمین (اشاره به دکمه بمب اتم کره شمالی و مقایسه آن با دکمه ارسال در موبایل - یا تقلید لهجه گوینده اخبار کره شمالی توسط خدمتکار سابق).

فیلم انگل از انتخاب اسمش تا زمان پخش شدن تیتراژ پایانی درگیر کننده و مناسب عمل می‌کند. فیلم دارای طراحی لباس و صحنه قابل قبولی دارد.

فیلم تا لحظه آخر قدرت خود را حفظ ضربان و تعلیق نشان می‌دهد. هیچ کجای فیلم خبری از نکته اضافی و به‌درد نخور وجود ندارد و در پرده پایانی هیجان و دلهره مخاطب را در بر می‌گیرد. فیلمنامه هیچ جا از نفس نمی‌افتد و دیالوگ نویسی تا حدودی دلپذیر است.

بازی حرفه‌ای بازیگرانی مثل سونگ کانگ هو (که سابقه کار با این کارگردان را در فیلم خاطرات قتل دارد) در کنار بازی های دلنشین بقیه، تیم بازیگری دوست داشتنی را می‌سازد.

در مجموع فیلم انگل فیلمی جذاب با داستانی چالش برانگیز دارد تماشای این فیلم را توصیه می‌کنم.



مصطفی طاوسی

دانشجوی کارشناسی دبیری الهیات

مرکز شهید دکتر آیت نجف آباد

شنیدن دیالوگ‌ها و درگیری کلامی انگل‌ها در حال لذت بردن از امکانات میزبان جالب توجه است.

از راه رسیدن ناگهانی خانواده پارک، شرایط به اندازه کافی به هم ریخته را وارد حالت بحرانی می‌کند. پنهان شدن زیر میز و شنیدن صحبت‌های زیادی توسط انگل‌ها مسیر داستان را وارد فاز جدیدی می‌کند.

نقش پله‌ها و پلکان‌ها در داستان نیز جزء همان نمادپردازی‌های زیبای داستان است. اگر توجه کرده باشید در هنگام رفتن پسر خانواده به منزل پارک‌ها تمامی پله‌ها به سمت بالا بوده و جهت دوربین صعود کردن و بالا رفتن و شیب رو به بالا را نشان می‌دهد؛ در حالی که زمان فرار کردن در شب بارانی و برگشت به خانه تمامی پله‌ها، پلکان‌ها و شیب دوربین جهت نزول را ترسیم می‌کند. انگار که برای رفتن به منزل پارک‌ها، انگل‌ها به عرش رفته و برای برگشت از آن به فرش برمی‌گردند.

چالش دیگر فیلم انگل ملموس کردن جهان‌بینی دو سوی جریان است که قضیه را در برخورد دو خانواده با مسئله باران می‌توان دید. برای یکی باران یعنی نابودی زندگی و خوشی‌ها و برای دیگری باران یعنی فردایی آفتابی با هوای پاک برای گرفتن یک جشن لوکس.

نمی‌توان از سینمای جون هو حرف زد و از استعاره‌های سیاسی‌ش دمی برنی‌اورد. اشاره به امپریالیسم غربی در کشته شدن آقای پارک (نماد سرمایه‌داری غربی) توسط کسی که لباس سرخ‌پوستی

سنگ شانس است، یا لحظه رها شدن سنگ و افتادن آن به داخل زیر زمین، پرتاب سنگ به سر پسر توسط همسر خدمتکار سابق در پرده پایانی فیلم)

خانواده ثروتمند داستان، افرادی ساده و خوش‌باور هستند که با توجه به سطح شارلاتانگری و دروغ‌گویی خانواده فقیر سوءاستفاده از ایشان را سهل الوصول می‌کنند.

پسر بعد از ورود به خانه خانواده پارک متوجه نکات بسیاری شده و برای اشتغال اعضای خانواده بیکار خود دست به کار می‌شود. یکی پس از دیگری با فریب و کشیدن نقشه وارد منزل پارک‌ها شده و همچون انگل شروع به ارتزاق از میزبان خود می‌کنند.

شرایط برای خانواده فقیر داستان عالی پیش می‌رود تا اینکه سر و کله خدمتکار قبلی خانه که خودشان با نقشه باعث اخراجش شدند، پیدا می‌شود.

همه چیز در عرض چند دقیقه به هم می‌ریزد و از اینجا به بعد فیلم وارد فاز هیجانی و دلهره‌آور خویش می‌شود.

نکته بسیار زیبای داستان برخوردی است که دو خانواده در زیر زمین منزل پارک‌ها دارند. هر دو خانواده عضو یک طبقه اجتماعی هستند و برای رسیدن به طبقه بالاتر در زیرزمین (همان جایی که از آن می‌آیند) به جان هم می‌افتند. فقرا به یکدیگر رحم نمی‌کنند تا بتوانند از شر طبقه اجتماعی افتضاحشان راحت شوند. اما نکته جالب این است که خانواده انگل ماجرا با وجود اینکه از برخورد طبقه سرمایه‌دار نسبت به خود رنجورند؛ اما وقتی زمانش برسد خودشان با زیر دستشان رفتارهای بدتری انجام می‌دهند.

فیلم اینجا ما را به قضاوت وا می‌دارد و جهان‌بینی سه خانواده را در ذهن ما به چالش می‌کشد. شاهد این نکته، سکناسی است که انگل‌ها در آن از فرصت عدم حضور خانواده پارک سوءاستفاده کرده، نقاب‌های خود را کنار زده و درباره منزل رویایی و امکانات فوق‌العاده آن که در دسترس آن‌ها قرار دارد داستان‌سرایی می‌کنند.

هـُصا حـِـبـِـه

جناب آقای مجید یاری



مسعود عبادتی

دانشجوی کارشناسی دبیری الهیات

مرکز شهید دکتر آیت نجف آباد

انشاءالله در ماه مبارک رمضان برنامه‌های ویژه جهت دانشجویان عزیز، کارکنان و اساتید هیئت علمی با توجه به مصوبات جلسه اخیر شورای فرهنگی و اجتماعی استان اصفهان داریم که در پورتال و کانال‌های اطلاع‌رسانی دانشگاه فرهنگیان به اطلاع دانشجویان خواهد رسید.

❖ ۴- اگر یک پاک‌کن داشتید چه چیزی را در گذشته زندگی‌تان پاک می‌کردید؟

- دوست داشتم برمی‌گشتم و ترس از سربازی را می‌گرفتم. چون ما خانواده پرجمعیتی بودیم، پدرم، من و برادرانم را از سربازی می‌ترساند. شاید دلیلی که دوست داشتم معلم شوم هم ترس از سربازی بود!

حرکت خود با شتاب بیشتر ادامه داد و دانشجویان فعال فرهنگی در کانون‌ها، شورای صنفی، تشکلهای و گروه‌های دانشجویی چه پیش از نوروز و چه در روزهای آغازین سال جدید، داوطلبانه و با فداکاری تمام توان خود را به کار بستند تا با این بیماری همه‌گیر مقابله نمایند و همچنین با پر کردن اوقات فراغت به وسیله فعالیت‌های دانشجویی و فرهنگی، برگزاری مسابقات مختلف، دین خود را ادا نمودند و این حرکت عظیم همچنان ادامه دارد.

مدیریت استان نیز وظیفه خود می‌داند با توجه به اینکه این فعالیت‌ها به صورت داوطلبانه و برای رضای خدا انجام گرفته است به پاس تقدیر از تلاش صورت گرفته توسط دانشجویان و دست اندرکاران اجرایی، حمایت‌های لازم را انجام دهد.

برنامه فعلی ما در راستای غنی‌سازی اوقات فراغت و تعطیلات کرونایی، دبیرخانه شورای فرهنگی و اجتماعی دانشگاه فرهنگیان استان اصفهان با هدف ایجاد شور و نشاط معنوی در دانشجویان معلمان عزیز و ایجاد انگیزه جهت ادامه پرشتاب و جهش (فرهنگی) در راستای شعار سال جدید که از طرف مقام معظم رهبری (حفظه الله) اعلام شده است و همچنین غنی شدن فعالیت‌های مجازی فرهنگی این عزیزان، در سطح پردیس یا مرکز، فعالیت‌های تشکلهای، کانون‌ها، انجمن‌ها و...

دانشجویی توسط

کارشناسان فرهنگی

ارزیابی می‌شوند و

ما هم از طریق

استان‌حمایت‌های

لازم جهت این

عزیزان را انجام

می‌دهیم.

❖ ۱. از آن جایی که نشریه کمال‌الملک مخاطب‌هایی از دانشگاه هنر اصفهان و دانشجویان دانشگاه‌های سراسر کشور دارد، لطف کنید خودتان را معرفی کنید و رزومه کاری‌تان را قبل از مسئولیت کنونی‌تان به عنوان کارشناس فرهنگی استان را بفرمایید.

مجید یاری هستم. مدرک کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی دارم. سال ۷۳ به آموزش و پرورش وارد شدم و تا سال ۸۱ به تدریس در مناطق آموزش و پرورش برخوار و ناحیه یک اصفهان مشغول بودم.

از سال ۸۱ به دلیل اینکه معلم فناوری بودم به عنوان مربی کارگاه‌های فنی برق، چوب، مکانیک خودرو و... به تربیت معلم شهید باهنر اصفهان جهت آموزش دانشجویان مشغول به کار شدم و تا سال ۸۶ در کارگاه‌های حرفه و فن در مرکز تربیت معلم شهید باهنر اصفهان به کار مشغول بودم.

از سال ۸۶ تا ۹۱ مجدداً به ناحیه یک اصفهان برگشتم و دوباره در شهریور ماه ۹۱ از طرف مرکز شهید باهنر دعوت شدم و این بار با توجه به شناختی که از من داشتند به عنوان کارشناس فرهنگی فعالیت‌های خودم را ادامه دادم و از سال ۹۱ تا الان در این سمت در خدمت شما دانشجویان عزیز هستم.

پارسال هم با بازنشست‌شدن مسئول فرهنگی استان به پیشنهاد ایشان در مدیریت استان در خدمت هستم.

❖ ۲- در این ایام و اوضاع کرونایی شما چه کارهایی می‌کنید؟

فعلاً که در خانه قرنطینه هستیم. از روز اول عید تا روز شانزدهم تعطیلات در خانه بودیم و هیچ جایی نرفتیم؛ فقط برای نیازهای اساسی و مایحتاج زندگی بیرون می‌رفتیم. فقط هم یک نفر یعنی خودم برای خرید از خانه بیرون می‌رفتم.

❖ ۳. اثرات کرونا بر فعالیت‌های فرهنگی هنری دانشگاه‌ها چه بوده و تا الان چه برنامه‌ای برای روزهای قرنطینه دانشجویان در نظر داشته‌اید و برنامه‌هایتان برای آینده چیست؟

- با وجود تعطیلی دانشگاه‌ها در اواخر سال گذشته، فعالیت‌های فرهنگی به روند

عدم وجود ساختار تشکیلاتی و غالباً عدم شکل‌گیری تیم و گروه با ساختار منسجم باعث عدم تداوم یک کار جمعی و موفقیت آمیز در نشریات دانشجویی می‌شود.

❖ **۱۱- توصیه‌ای به دانشجوی معلمان دارید؟ که اگر برگردید به دوران دانشجویی خودتان، دوست داشته‌باشید آن را اجرا کنید.**

هر شخصی احتیاج به توصیه دارد همین‌طور خود بنده. خود من این دوران را از دست دادم؛ ولی نمی‌خواهم هرکس به فکر دوران دانشجویی‌اش افتاد حسرت بخورد.

یکی از حسرت‌ها درست استفاده نکردن از وقت است. هر زمانی که پیدا می‌کنید برای خودتان در راه ائتلاف صرف کنید.

اعتلا درسی، شخصی، معنوی و...

امام‌علی(ع) می‌فرماید: «بهای جان شما بهشت است؛ پس به غیر از بهشت نفروشید.»

باید دقت داشته‌باشیم این وقتی که داریم می‌گذرانیم، چه چیزی بابتش به دست می‌آوریم

یک مواقعی هست که انسان واقعاً دنبال چیزیست که آن را انجام بدهد. پس به دنبالش می‌رود؛ ولی یک موقعی هست که یک مطلب را می‌خواند و رد می‌شود. اگر کسی بخواهد از چیزی یا مطلبی استفاده کند، فقط خودش باید بخواهد. اگر هم محیط دانشگاه نمی‌تواند آن شرایط را مهیا سازد خودش آن شرایط را به وجود آورد.

❖ **۱۲. کلام آخر: ابتدا از شما تشکر می‌کنیم برای فعالیت‌های موثر و تغییرات خوبی که برای نشریات در این مدت داشتید؛ اقا چند درخواست برای مخاطبین نشریه کمال‌الملک داریم:**

اول اینکه از شما درخواست داریم کلاس‌های فرهنگی و هنری با استفاده از اساتید قوی و توانمند کشوری به صورت مجازی در گروه‌های پیام رسان‌های مختلف ادامه پیدا کند و به دانشجویانی که در این دوره ها شرکت می‌کنند، گواهی معتبر داده شود.

دومین درخواست، ایجاد فضاهای هنری و محیط‌های مناسب و امکانات کافی برای دانشجویان رشته هنر دانشگاه فاطمه الزهرا و همچنین دانشجویان علاقه‌مند به هنر مرکز آموزش عالی شهید رجایی اصفهان.

❖ **امیدواریم تا جایی که قوانین و مقررات اجازه دهد، مدیریت استان برنامه‌های مشابه را حمایت کند.**

دبیرخانه هیات نظارت بر تشکلهای اسلامی، کمیته ناظر بر نشریات، کمیته حمایت و نظارت بر انجمن‌های علمی، گروه ناظر کانون‌های فرهنگی.

در راستای همین وظایف، مدیریت استان با کمک بازوهای فرهنگی پردیس‌ها و مراکز که همان گروه‌های دانشجویی می‌باشند، باید دانشجویانی که به فعالیت‌های فرهنگی علاقه‌مند نیستند را در حوزه‌های مختلف جذب این فعالیت‌ها کنند.

❖ **۹. برنامه‌هایتان برای سال‌های آینده به عنوان کارشناس فرهنگی استان چیست؟**

انشاءالله از فعالان فضای مجازی در سطح دانشجویی و همکاران توسط ریاست محترم دانشگاه که مشوق این اقدامات هستند، تقدیر خواهد شد.

امسال برنامه‌هایی چون بیانیه گام دوم انقلاب، آموزش‌های دینی و قرآنی، عفاف و حجاب، خوشنویسی و نویسندگی، آشنایی با مناظرات و برگزاری اردوهای دانشجویی (در صورت فراهم شدن شرایط موجود در کشور)، طرح ۵۵۵ و... از جمله موضوعاتی هستند که به صورت مجازی آموزش و مسابقات آن را دنبال خواهیم کرد، انشاءالله...

❖ **۱۰. نظر شما در مورد نشریات دانشگاه فرهنگیان اصفهان چیست و برای بهتر شدن آن‌ها چه پیشنهاداتی دارید؟**

نشریات دانشجویی اصفهان در دانشگاه فرهنگیان کشور حرف اول را می‌زنند و این مهم به دلیل وجود دانشجویان علاقه‌مند در عرصه نشریات در این حوزه می‌باشد؛ ولی می‌توان بهتر شد.

یکی از این موارد، اطلاع دانشجویانی که در نشریات فعالیت دارند به آیین‌نامه نشریات می‌باشد. همچنین نشریات دانشجویی همانند سایر تشکلهای در تشکیل، تداوم و ادامه فعالیت کار تیمی باید تقویت شوند. کوتاهی عمر دانشجو بودن دانشجویان باعث می‌شود هر از چند گاهی گروهی به ایجاد یک نشریه مبادرت نمایند و با پایان این زمان، عمر آن نشریه هم به پایان برسد و تجربه‌های به دست آمده در راه انتشار یک نشریه به نسل بعدی دانشجویان منتقل نگردد و همچنان این دور کسب تجربه‌های تکراری ادامه یابد و نشریات دانشجویی را از به دست آوردن افق‌های جدید باز دارد.

❖ **۵- بزرگ‌ترین ترس زندگی‌تان چیست؟** این است که در لحظه آخر عمرم، عاقبت بخیر نشوم و از این دنیا بروم.

❖ **۶- چه چیزی حرمتان را در می‌آورد؟** بعضی از دانشجویهایی که یک مطلبی را برایشان توضیح می‌دهم؛ ولی متوجه نمی‌شوند، آدم حرص می‌خورد.

❖ **۷- تصور کنید قرار است از روی زندگی شما یک فیلم بسازند یا یک داستان بنویسند. اسم آن فیلم یا کتاب را چه می‌گذاشتید؟**

شاید "تقدیر الهی" می‌گذاشتم.

❖ **۸. چه پیشنهاداتی برای دانشجویان فعال و غیرفعال در زمینه فرهنگی دارید و به نظرتان چگونه می‌توان دانشجویهایی که علاقه‌ای به فعالیت‌های فرهنگی ندارند یا فعالیت کمی دارند، فعال کرد؟**

مدیریت فرهنگی استان وظایفی دارد، از جمله:

الف. فراهم‌ساختن زمینه مشارکت جمعی و داوطلبانه اعضای هیات علمی، دانشجویان و کارکنان در امور فرهنگی اجتماعی، تربیتی، سیاسی و... دانشگاه مطابق با آیین‌نامه‌ها و مقررات موجود و برنامه‌ریزی برای این منظور.

ب. برنامه‌ریزی و حمایت از برنامه‌های پردیس‌ها و مراکز برای ترویج فرهنگ گفتگو، نقد روشمند و آزاد اندیشی از طریق گفتگوها، مباحثه‌ها و برگزاری کرسی‌های آزاد اندیشی در حوزه‌های فرهنگی، مذهبی، تربیتی، اجتماعی و سیاسی.

ج. صدور مجوزها، تصویب فعالیت‌ها و نظارت بر فعالیت تشکلهای قانونی دانشگاه شامل

تشکلهای اسلامی، بسیج دانشجویی، انجمن‌های علمی، کانون‌های فرهنگی، نشریات دانشگاهی و سایر تشکلهای مشابه در چارچوب برنامه‌های مصوب.

د. فعال‌سازی دبیرخانه‌های نظارتی تشکلهای شامل





متن و عکس : قادر جامی الاحمدی

فارغ التحصیل عکاسی دانشگاه هنر اصفهان

مدرس عکاسی

❖ رقص تربت جام

"تربت جام"

❖ شهریست در استان خراسان رضوی و از فرهنگ بسیار غنی برخوردار است و از لحاظ علمی و تاریخی سرشار از افتخارات. دیاری که موسیقی محلی و هنرهای آیینی آن شهره خاص و عام است و در ایران و جهان جایگاه والایی دارد. یکی از ویژگی‌های فرهنگی تربت جام، موسیقی و بازی‌های آیینی این منطقه است. در خراسان هنوز هم بسیاری از مردم همان واژه بازی را برای رقص به کار می‌برند. از ویژگی‌های رقص‌های تربت جام دسته‌های و دوری بودن آن‌هاست که در دایره‌های کوچک و بزرگ تودرتو اجرا می‌شوند و تفاوتشان با دیگر رقص‌های دسته‌بند اقوام ایران در آن است که اجراکنندگان به طور جدا؛ یعنی بدون آنکه دست همدیگر را بگیرند، می‌رقصند.

"رقص"

❖ رقص پدیده‌ایست فرهنگی که در میان تمام فرهنگ‌ها و در همه دوره‌های تاریخی وجود داشته‌است.

در فرهنگ فارسی معین در شرح واژه رقص آورده: جنبیدن، پا کوفتن و حرکات موزون با آهنگ موسیقی. حرکاتی موزون، همراه آهنگ موسیقی اجرا کردن.

❖ رقص به حرکات موزونی گفته می‌شود که به‌طور فردی یا گروهی و متناسب با آهنگ و به منظور خاصی انجام می‌گیرد. برخلاف برخی از فعالیت‌های انسان آغازین، مانند ساخت ابزارهای سنگی، شکار و نقاشی در غارها و... رقص هیچ نوع جسم فیزیکی از خود به جای نگذاشته‌است.

بنابراین صحبت کردن درباره زمان و ورود رقص به فرهنگ بشر غیرممکن است. با این وجود، بی‌گمان رقص بخش مهمی از مراسم تشریفات جشن‌ها و سرگرمی بدوی‌ترین تمدن‌های بشر بوده‌است. ❖ رقص یک ابزار ارتباطی برای برون فکنی احساسات از طریق حرکات بدنی و جسمانیست. این روش ارتباطی در گونه‌های مختلف جوامع انسانی اعم از ابتدایی، مدرن، روستایی، شهری و... دیده می‌شود. از روی قرائن و شواهد می‌توان گفت که انسان‌های پیش از تاریخ نیز می‌رقصیدند. (بر اساس آنچه از فرهنگ‌های پیش از تاریخ در مراحل مختلف پیشرفت از لحاظ وسایل زندگی و ابزار و اسلحه به دست آمده، نشان می‌دهد که می‌توان آن‌ها را با قبایل بدوی و امروزی جهان مقایسه کرد و همانند گرفت. بدین‌شبهه می‌توان به رسوم، عادات، وسایل کشت و

کار، زندگی، اجتماع و جنبه‌های گوناگون زندگی ایشان که تاکنون به دست ما رسیده است پی‌برد.)

❖ سرگذشت رقص در خراسان از تنوع بسیاری برخوردار است. چوب‌بازی یا به گفته بومیان خراسان رقص چوب، رایج ترین نوع رقص در این منطقه محسوب می‌شود. رقص چوب از رقص‌های جمعی و پرتحرک است و حالات آن بر جنبه‌های رزمی و حماسی آن حکایت دارد. (تربت جام را باید با اهمیت‌ترین منطقه در ارتباط با رقص‌های خراسانی دانست. علاوه بر چوب‌بازی تربت جام که کامل ترین نمونه رقص در همه خراسان محسوب می‌شود، رقص‌هایی چون: آفر، چوب بازی، حتن، مشق پلتن، حنایی، سه چکه، گل پتی‌خان و دعای باران را نیز می‌توان در این منطقه نام برد.)

❖ حرکات و بازی‌های آیینی هر منطقه ریشه در تاریخ و گذشته آن قوم دارد. این حرکات می‌توانند بزمی، رزمی، عرفانی و... باشد. به هر صورت یکی از روش‌های معرفتی فرهنگ اقوام مختلف، مطالعه در حرکات آیینی آن‌هاست. در تربت جام که در حرکات آیینی به جای کلمه رقص از کلمه بازی استفاده می‌شود، تنوع زیادی دارد. برخی از این بازی‌ها منسوخ شده و برخی دیگر نیز رو به فراموشی است. مهم‌ترین این آیین‌ها عبارتند از: ۱- حتن ۲- آفر ۳- آفر قالی بافی ۴- چوب بازی ۵- مشق پل‌تان ۶- گل پتی‌خان ۷- حنایی



❖ خدای حکیم



نیما خادمی

دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی

مرکز شهید مطهری شیراز

حجّت ماتش برده؛ بعد نوعی خنده در نگاهش پیدا می‌شود و چشمانش برق می‌زند. اول به وکیل و سپس به مادرش نگاهی می‌اندازد؛

- پس آقای وکیل! ننه جان! سهم الارث شهرام و داریوش به کی می‌رسه؟

- خب حجّت جان! به کی می‌خوای برسه؟! همش به ما رسیده!

حجّت رو به وکیل کرد؛

- مادرم چی میگه آقای وکیل؟!

- عین واقعیته آقا حجّت!

حجّت ساک به دست، رو به آسمان کرد؛

- قربون حکمت برم خدا!

- آخه ننه جان! اون جعفر مگه می‌دونه آخرت چیه؟!

مامورها پیدایشان شد و این یعنی وقت ملاقات تمام شده است و ملاقات‌کنندگان باید از زندانی‌ها جدا شوند.

- خب حجّت جان! یه سری چیزمیز واست آوردم، پرو بگیر؛ توکلت به خدا باشه. منم میرم به جعفر میگم این پسرای اوباش و الواط با چهل پنجاه سال سن، زن و بچه ندارن، پولتو می‌گیرن، میرن دنبال الواطی و واست لعنت و نفرین درمیارن؛ ولی حجّت من آدم حسابیه؛ دختر و پسر دم‌بخت داره، تو مثلاً پدر بزرگ اونایی.

- ننه جون! بابای منم لنگه بچه هاشه. من فقط به خودت کشیدم؛ ساده و بی‌غل و غش. خدا هم که بالکل فراموشمون کرده!

- نگو حجّت جان! ماها از کار خدا سر در نمی‌اریم.

هفت ماه بعد

حجّت ساک به دست از در زندان بیرون می‌آید. وکیل و مادرش به استقبالش آمده‌اند. مادرش او را در آغوش می‌گیرد. وکیل هم نزدیک می‌آید، حجّت رو به مادرش می‌کند؛

- ننه! بچه‌ها کجان؟!

- حجّت جان! تو خونه برای تو جشن برگشت گرفتن.

- ننه جون! از این کرونا چطور خلاص شدین؟! ماسک هم که دیگه نمی‌زنی؟!

- نه دیگه حجّت جان! کرونا دیگه از همه دنیا جمع شده. منم تو خرپشته خودمو حبس کردم تا آلوده نشم.

وکیل گفت؛

- آقا حجّت! شما رو هم که خدا این تو حبس کرد و ویروس بهتون سرایت نکرد؛ ولی شاکیاتون که برادر ناتنی هاتون بودن و پدرتون بخاطر کرونا به رحمت خدا رفتن!

مادرش آن سوی شیشه، تلفن را برداشت؛ حجّت هم برداشت؛

- مادرت بمیره! چرا با داداشات درافتادی ننه؟!

- اونا داداش من نیستن! کسایی که قصد کشتن منو دارن، برادر من نیستن! درضمن من کسی رو که مادرش، مادر من نیست، اصلاً برادر حساب نمی‌کنم.

- تهمت نزن حجّت جان! خدا قهرش میاد.

- ننه ولم کن. ای خدا!!!! خدا کلاً منو فراموش کرده! نمی‌دونم تو چرا انقدر ازش انتظار داری! خدا پنجاه ساله من و تو رو فراموش کرده! چسبیده به بابای نامرد من و اون توله سگاش!

- تو از حکمت خدا چه می‌دونی حجّت جان!

- اینو می‌دونم بابای نامردم سی سال پیش وقتی من ده‌سالم بود، من و تو رو ول کرد تا با اون زنش باشه. تو رو انداخت به کلفتی؛ منم به سگ‌دویی واسه یه لقمه نون. ما فقط زنده موندیم ننه؛ زندگی نکردیم! به خدا قسم، اون شهرام و داریوش اومده بودن منو سر به نیست کنن؛ چون می‌دونن اگه بابامون بمیره منم ارث می‌برم؛ ولی من تیز جنبیدم، زدم داغونشون کردم. حالا هم دست پیش گرفتن، انداختنم زندون.

- آره خیر ندیده‌ها! نه که دیدن جعفر رو به قبله‌ست، فکر این بودن همون یه سوم مال و منال اون جعفر عاقبت نابخیر هم به تو نرسه؛ ولی ما باید سفت پای حق‌مون وایسیم. حجّت جان! دادگاه بعدی سه‌ماه دیگه‌ست. باید یه وکیل بگیریم.

- ننه جون! اینا می‌خوان اون یه سوم ارث رو هم به پای اینکه زدم داغونشون کردم، پامال کنن.

- توکلت به خدا باشه حجّت جان! اگه شد من میرم پیش جعفر ناله و زاری می‌کنم؛ میگم حجّت هم اولادته. میگم این آخر عمری دل ما رو هم شاد کن تا آخرت خراب نشه.



مریم عبداللهی

کارشناسی ارشد طراحی داخلی

آموزگار پایه سوم ابتدایی

هنر مرکب در دوره ابتدایی

افزایش یادگیری در نواآموزان، نیست. (با تاکید بر ماهیت‌های فردی هر نواآموز و توصیف عملکرد وی در جهت تشویق و بهبود).

*** فارسی:** هنری چون خواندن و آواز و موسیقی است که برانگیختن حواس شنوایی، بینایی و موقعیت اندامی را در بر دارد.

*** ریاضی:** انگاشت نظم در برابر هنر است، که رسالت ما برادری است نه برابری.

*** علوم:** یک شاهد عینی در تقابل با هنر است و رسالت ما، هم‌شانه‌سازی آن‌هاست.

*** اجتماعی:** جامعه‌ای که تماماً تنوع در حواس را بیان می‌کند و نرمی ستیز روح بر جسم انجمن، بر دوش ماست.

فی‌المجموع، در نهان یک آموزگار باید خدایی نهفته باشد که تجلی روح جمال را به نظم پرورش دهد تا ملکمان به غایتی ایران هنر رسد.

نباشد. لذا با وصف شرح‌حال موجود، هیربد گاهی باید در چارچوب‌های هدایت تحصیلی اسناد بالادست ساختارشکنی نماید تا شایستگی از خودآگاهی به ناخودآگاهی مبدل گردد. کتاب الله هنر را بی‌انتها بیان می‌کند؛ اما آنچه خلاصه می‌توان از آن یافت، هنر موسیقی و آوا، قصه و قلم و بیان و نظم است.

آموزگار، انگاری از آنچه گفتیم، باید باشد. هادی و تبلوردهنده و همچنین مرکب‌کننده بر مبنای شرایط موجود، در حیطه اختیارات خود. در انباشت نواآموزانی که هنوز در جامعه آنچه را دارند سرکوب نشده، زمان تشخیص هنر هر کدام و سوق به سمت پروراندن حواس هشتگانه وی است. محدودیت‌های زمانی و ارائه مستندات به بالادستی‌ها، بزرگترین چالش هر مدرّس است، لذا هیچ تمهیدی مگر آمیختن هنر و دیگر دروس در جهت

﴿إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ﴾ همانا خداوند متعال زیباست و زیبایی را دوست دارد.

و زیبایی هیچ نیست، مگر هنر. هنری که فعلی‌ست در بطن آدمی از هستی تا وجود نیستی، که مبدلش می‌کند به هستی موجود و تأدیب نمی‌یابد مگر به هدایت و ظهور در ناخودآگاهی و شایستگی.

هنر، تشخیص را برای اشرف خلق معین و وی را ملزم به انتخاب مسیر می‌کند. این واژه لایزال اندیشه‌ای بی‌پایان و بدون وابستگی است، که تنها درک یک حقیقت را به انسان پاسخ می‌دهد.

در بینش دینی ما که منعطف است به باورهای نامتناهی و تلفیق جغرافیایی آن با محل ظهور، ما را سوق می‌دهد به رویشی که تعلیم و تعلم مکلف نموده. در این بحث باید خاطر نشان کرد که این رسالت، زمانی متبلور خواهد شد که محدودیتی در بین اندیشه و هدف

معرفی کتاب



کتاب دایرة المعارف هنر اثر استاد روبین پاکباز از کتاب‌های بسیار مفید در زمینه اطلاعات هنری و بسیار بافایده برای هنرجویان، دانشجویان هنر، اساتید دانشگاه و همه علاقمندان به تاریخ هنر ایران و جهان و آشنایی با هنرمندان می‌باشد.

این کتاب آرشیو کاملی از دنیای هنر است که بر اساس حرف اول نام هنر و هنرمندان طبقه‌بندی شده است.

آموزش دکوپاژ

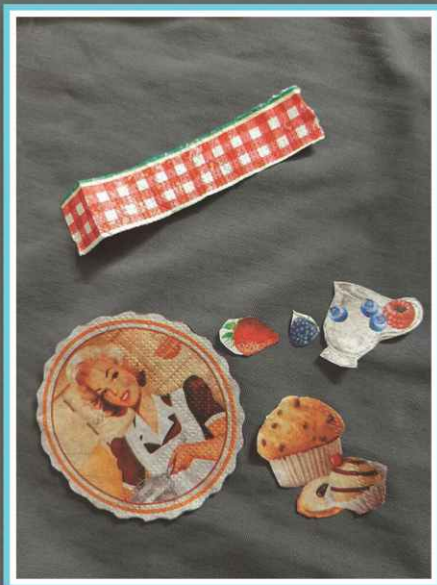


یاسمن تقی مومنی

دانشجوی رشته نقاشی

دانشگاه یزد

۲. لایه زیری دستمال را از آن جدا کرده تا به نازک‌ترین لایه خودش برسد.



۳. حالا قسمتهایی از دستمال که طرح مناسب دارند را با قیچی جدا می‌کنیم و با قلم‌مو آن را با چسب چوب رقیق روی سطح می‌چسبانییم؛ سپس منتظر می‌شویم تا خشک شود.



وسایل مورد نیاز برای انجام دکوپاژ:

- * چسب چوب
- * مقداری آب
- * قلم‌موی تمیز
- * دستمال سفره طرح‌دار
- * یک ظرف کوچک برای رقیق کردن
- * چسب‌چوب
- * قیچی
- * سطح مورد نظر برای انجام دکوپاژ



مراحل انجام دکوپاژ:

۱. ابتدا مقدار کمی چسب چوب را با آب رقیق می‌کنیم و کنار می‌گذاریم.



فراخوان همکاری گاهنامه فرهنگی- هنری کمال الملک



#دنیاتو_رنگی_رنگی_کن

علاقه مندان و فعالان در زمینه‌های هنری، ادبی و طراحی می‌توانند جهت همکاری به روابط عمومی نشریه مراجعه کنند

 @mrym_khlilinjd78

با اسکن بارکد مقابل وارد دنیای رنگی رنگی نشریه کمال الملک شوید



   @kamalolmolk_mag98